

ابعاد سیاسی انفجار خونین بمب در نزدیکی سفارت آلمان!



به تاریخ دهم جوزای سال جاری خورشیدی، ساعت ۸ و ۲۰ دقیقه روز چهارشنبه، انفجار نیرومند در نزدیکی سفارت آلمان در ساحه وزیر محمد اکبرخان کابل رخ داد. این انفجار چنان نیرومند بود که ساختمان های چهار اطراف آن را نیز به شدت متضرر نمود. ارقام رسمی قربانیان این انفجار بیشتر از ۹۰ تن و زخمی های آن به ۴۵۰ تن گزارش داده شده است. اما رقم قربانیان بیشتر از ارقام اعلام شده می باشد؛ زیرا درین حادثه کسانی شامل بوده که زنده و مرده آن تا هنوز ناپدید است.

در همان روز مردم و رسانه ها انتظار داشتند که باز هم همان گروه های مسلح قبلی مسوولیت این انفجار را بدوش خواهند گرفت. اما برخلاف، اداره حکومت که توجیه کننده وحشت و ترور امریکایی است، از روی مجبوری مسوولیت این حمله وحشیانه را بدوش استخبارات پاکستان "آی اس آی" و شبکه حقانی انداخت. همزمان به این حادثه، اشرف غنی رییس دولت جان کری حکم اعدام ۱۱ تن زندانیان طالب را صادر نمود که طالبان موقف تند از خود درین باره نشان داده و خاطر نشان نمودند که انتقام آن را حتماً خواهند گرفت. به دنبال آن نفیس ذکریا سخنگوی وزارت خارجه پاکستان این اتهامات را رد نموده و آن را بی اساس خواند. وی اضافه نموده گفت: «انگشت انتقاد بالای دیگران و ناکامی های خود را پنهان کردن درین موارد مؤثر واقع نخواهد گردید.»

این نوع وحشت و ترور در حال افزایش می یابد که در پایان هر سال میلادی مسوولین سیاسی و نظامی امریکایی سال سخت و خونبار را در مورد افغانستان پیش بینی می نمایند. این بار هم جمر متیس وزیر دفاع امریکا حین دیدن از کابل در اپریل گذشته، سال ۲۰۱۷م را سال خونبار برای افغان ها خواند که این خود ثبوت شدت چنین حملات وحشیانه از سوی امریکا و کار کردن بخاطر افزایش نظامیان اشغالگر اش می باشد.

در این گونه حوادث تروریستی رقابت ها بر سر منافع میان دولت های بزرگ کپیالیستی(سرمایه داری) اشغالگر و استعمارگر را نباید از یاد برد. جنگ مستقیم میان آنان حتی شاید منجر به جنگ های جهانی گردد، به همین دلیل سازمان ملل و قوانین بین المللی میان دولت ها را ایجاد نموده اند؛ تا بتوانند جلو جنگ های جهانی بزرگ را گرفته و به اصطلاح خودشان صلح جهانی را تأمین نمایند. اما میان این دولت های بزرگ صلح چنین معنی دارد: جنگ های رقابتی شان را توسط جان و مال مردم در سرزمین های اشغال شده و مستعمره به پیش برده و خود شان را از این نوع گزند مصون نگه دارند. آنان جنگ های رقابتی خویش را در سرزمین های اشغال شده توسط مزدوران خویش به شکل نیابتی به پیش می برند که افغانستان هم؛ مانند: یمن، لیبیا و... یکی از میدان های گرم جنگی آنان بشمار می رود.

بدون شک تنظیم حمله در چنین محل دیپلماتیک بدون همکاری امنیتی و هماهنگی استخباراتی امریکا امکان ندارد. به تمام خارجی های این منطقه دو روز قبل خبر داده شده بود که این منطقه تحت تهدید اعلام شده و باید ساحه را تخلیه نمایند. بدین

اساس بیشترین خارجی ها قبل از وقوع این حادثه محل را ترک نموده بودند. این انفجار به اندازه ی قدرت مند بود که از لحاظ تخنیک از توان مخالفین مسلح بیرون بود. زیرا نظر به شواهد چنان معلوم گردید که انفجار موثر بمب نه، بلکه راکت و یا حمله بمب از هوا بود. مردم محل قبل از انفجار یک صدا را از هوا شنیده بودند که انفجار پس از آن صورت گرفته بود.

هم چنان موضوع تانکر درین حادثه مدیریت و هماهنگی تبلیغات ابعاد سیاسی را درین رویداد ثابت می سازد. زیرا انفجار از طریق همین تانکر صورت گرفته است که در این چنین محل دیپلماتیک رفت و آمد آن ممنوع می باشد. تانکر یک بهانه بوده است، اگر فرض نماییم که تانکر هم بوده باشد باز هم از طریق جی پی اس شکار حمله راکتی گردیده تا بتوانند آن را به آسانی در افکار عامه موثر بمب ثابت نمایند. باوجود این همه دلایل، مکان انفجار به اندازه یی عمیق گردیده بود که خود دال برین است که از هوا توسط راکت و یا بمب هدف قرار گرفته است؛ زیرا موثر بمب هرگز به این اندازه جای را حفر کرده نمی تواند.

موثر بمب از سه جهت دیگر فضای آزاد دارد و به عوض زمین سه جهت دیگر خویش را تخریب می نماید. اما این انفجار جهت اش که به طرف زمین است، به شکل افقی تخریب گردیده است. هم چنان یک تعداد ویدیوهای وجود دارد که نشان دهنده یی کامره "درون" طیاره بی پیلوت می باشد که پیش از پیش انفجار نموده است و صحنه حادثه قبل از قبل به شکل ویدیویی ثبت گردیده است که آن توسط یک تعداد هم وطنان ساده لوح، حمل ارواح شهدا توسط ملائکه تعبیر گردیده است. این حادثه توسط رهبر و الگوی تروریسم و جنگ صلیبی امریکا، حکومت های مزدور و حلقات استخباراتی و کمپنی های امنیتی آن علیه امت اسلامی صورت می گیرد؛ تا پیام سیاسی خویش را ازین طریق به دولت های رقیب خویش توسط خون ارزان و بی رنگ ما طور ذیل برساند:

همان طوری که در زمان سفر ترامپ از سعودی به سوی کشورهای جی ۷، ناتو و اروپا، در منچستر انگلیس حمله بزرگ تروریستی صورت گرفت؛ توسط این حمله امریکا به شمول عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی، به سران این کشورها این پیام را داد که تا هنوز نفوذ سیاسی و استخباراتی انگلیس در کشورهای شان موجود است و دیگر انگلیستان توان استعماری قبلی را ندارد و چنان ضعیف است که حتی امنیت شهروندان خویش را تأمین کرده نمی تواند، پس چطور ممکن است که امنیت شما را تأمین نماید. از جانب دیگر ضرورت تداوم ناتو را ثابت نموده تا افکار عامه را قانع سازد که خطر تروریسم تا دروازه های خانه هایتان رسیده است و باید بالای حکومت های خویش فشار بیایید تا در تعهد شان برای تمویل تداوم ناتو وفادار بمانند.

چنان که بتاريخ ۲۵ می سال روان کنفرانس ناتو در بروکسل دایر گردید و بتاريخ ۲۷-۲۸ می ۲۰۱۷م نیز کنفرانس ۷ قدرت بزرگ اقتصادی در ایتالیا دایر گردید، در این دو کنفرانس، آنان در جنگ علیه اسلام و امت اسلامی توافق نمودند؛ اما در برخی موارد بخاطر منافع شخصی شان اختلافات عمیق داشتند که تا اخیر این کنفرانس ها لاینحل باقی ماند. هر یک از آنان تلاش می کردند که بخاطر تأمین منابع خویش علیه یکدیگر چاه عمیق تر حفر نمایند. زیرا ترامپ در جریان کمپاین انتخاباتی خویش به بیرون رفت از سازمان ناتو و بیکاره گی آن تأکید می نمود. اما در زمان اشتراک درین سازمان آن را سازمان امن و صلح برای جهان خواند و از هر عضو این سازمان خواست تا تعهدات خویش را در مورد آن به سر رسانده و باید ۲درصد از تولیدات خالص خویش را به این سازمان بدهند. "گاری کوهن" مشاور اقتصادی وی گفت: «نظر رییس جمهور تغییر کرده است و به همین دلیل این جا آمده است تا خودش را از واقعیت ها آگاه سازد.» از جانب دیگر "ستولنتبرگ" در مورد تعهدات مالی ناتو موقف ترامپ را "سخت و محکم" خواند. بناً هر دولت که به عوض ارزش های میدئی خویش تنها منفعت را در نظر بگیرد، در زمان سختی ها چهره اش آشکار می گردد.

از جانب دیگر ترامپ در کنفرانس جی ۷ بر سیاست اقتصادی خارجی آلمان سخت انتقاد نموده گفت که: «آلمان با تجارت و داد و ستد که با امریکا دارد، بسیار نفع برده است و حال ضرور است که آلمان بعد از جنگ جهانی دوم بخاطر تأمین امنیت خویش قیمت تأمین امنیت اش را به امریکا بپردازد.» اما آلمان این خواست ترامپ را رد کرد. همین طور آلمان و فرانسه به خاطر تعهدات امریکا در کنفرانس محیط زیست پاریس در سال ۲۰۱۵م تأکید نموده و باربار بالای ترامپ فشار آوردند تا از تعهد متذکره سرباز نزنند. اما ترامپ تصمیم اش را در جریان یک هفته اعلام نموده و گفت که: «امریکا دو روز قبل رسماً از آن تعهد اخراج شده است، زیرا آن خلاف منابع امریکا می باشد.»

باوجود این همه، از ترامپ و همراهان اش در ریاض و اسرائیل برخلاف اروپا استقبال گرم صورت گرفت و سعودی ها صدها میلیون دالر برایشان داد. اما در اروپا نه از وی استقبال صورت و گرفت و نه هم به خواست های ترامپ که بعد از جنگ جهانی دوم بخاطر امنیت اروپا باید به امریکا میلیاردها دالر داده شود، جواب مثبت داده شد. باوجود این به خاطر بیرون نشدن از تعهدات پاریس بسیار بالایش فشار آورد و هر لحظه به شهرت جهانی امریکا ضربه وارد می نمود.

بناً امریکا توسط این انفجار بزرگ در نزدیکی سفارت آلمان خواست آلمان را چنین پیام دهد که باید هر لحظه قیمت سر باز زدن از خواست های امریکا را بپردازد.

امریکا خواست از طریق انفجار این بمب بشمول آلمان به تمام رقبای خویش بفهماند که در تمام سرزمین های مستعمره خویش ما می توانیم که منافع شما را با چنین خطرهای تهدید نماییم. بدین اساس منطقه اشغال شده و ضعیف مانند افغانستان از همه جاهای دیگر برایش مناسب تر واقع گردید و در ماه مبارک رمضان توسط خون مسلمانان مظلوم پیام سیاسی خویش را به رقبای سیاسی خویش رسانید. این بدین خاطر است که حکام افغان به اندازه ی مزدور امریکا است که اصلاً جرأت این را ندارند که در مورد حادثه تحقیقات لازمه را انجام دهد و یا آن عده مسوولین که این بازی را واضحاً می دانند، جرأت ندارند تا نظر خویش را به رسانه ها شریک نمایند.

اما انسان بزدل و زبون مانند اشرف غنی ازین حادثه استفاده سیاسی نموده و ۱۱ تن از کسانی که قبلاً به اعدام محکوم گردیده بودند، در پیوند به این حادثه افکار عامه را آماده یی اعدام این افراد نمود که منجر به دوام بیشتر جنگ نیابتی در افغانستان می گردد. طبق اعلامیه طالبان، این چیزی است که در حمله انتقام جویانه ی آنان آشکار خواهد شد و این همان صلحی است که از رویارویی مستقیم کشورهای استعمارگر بزرگ جلوگیری نموده مگر جنگ نیابتی بالای خون ما در خاک ما دیگر هم شدت می یابد.

پس تا زمانی که این حکام مزدور و ذلیل با بادران خویش وفادار و صادق باشند و با مردم خویش نفاق و خیانت نمایند، سرکوب نگردند و به عوض آنان حاکمان مخلص، مسلمان و متقی به اساس منهج نبوت و خلافت راشده حاکم نگردند، ماه عبادت و خوشی های عیدین ما بارها به غم ها مبدل خواهد گردید.

پس بیایید تجربه دموکراسی کفری و دوستی با کفار را خاتمه داده علیه حاکمیت کفری بپاخیزیم تا بر زخم های امت مرحم گذاشته و یکجا با حزب التحریر به طریقه رسول الله صلی الله علیه وسلم برای تغییر اساسی جامعه مبارزه نماییم تا اسلام را از طریق یگانه نظام مشروع "خلافت" به قدرت برسانیم. اسلام را در داخل به صورت کامل تطبیق نموده و از طریق سیاست خارجی دعوت و جهاد آن را به جهانیان برسانیم. در آن زمان خواهد بود که سرزمین های تجزیه شده مان به یک سرزمین واحد اسلامی مبدل گشته و همان عزت و پیروزی بر خواهد گشت که ماه مبارک رمضان در آن ماه طاعت واقعی، نصرت و فتوحات خواهد بود و یکبار دیگر؛ مانند: اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم، تابعین و تبع تابعین زندگی اسلامی با شأن و شوکت را دوباره آغاز نماییم.

سیف الله مستنیر

رییس دفتر مطبوعاتی حزب التحریر ولایه-افغانستان